

مسئولیت شورای امنیت در قبال بحران‌های زیست محیطی

تهدید کننده صلح و امنیت

دکتر علی بابایی مهر* - مازیار ذبیحی**

چکیده

تغییرات آب هوایی در نتیجه گرم شدن زمین و پیامدهای آن، ناشی از فعالیت‌های بشری است که نه تنها عوامل زیست محیطی بلکه جوامع بشری را با خطر مواجه ساخته است. دبیرکل سابق ملل متحد جناب آقای کوفی عنان در دستور کار پیشنهادی برای اجلاس سران در سپتامبر ۲۰۰۵ که توسط هیئت مخصوص وی تهیه گردیده بود، تخریب محیط زیست را از جمله تهدیدهای اجتماعی علیه امنیت دسته جمعی قلمداد کرده و آن را در کنار تهدیدهای امنیتی آورده است که خود نمایان گر اهمیت این موضوع می‌باشد. ممکن است پیامدهای متفاوت تغییرات جوی در حوزه‌های مختلف، بستر وقوع درگیری و مخاصمه را در سطح داخلی و بین‌المللی فراهم آورد. این پیامدها تأثیرات متفاوتی روی هر دولت خواهد داشت. صدور آلودگی همواره می‌تواند امنیت انسانی را به خطر انداخته و موجب ایجاد رقابت برای حیات شود. در این مقاله به بررسی تاثیر تغییرات زیست محیطی بر امنیت بشری و نقش شورای امنیت که به عنوان مسئول حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در منشور شناخته شده است می‌تواند بر عهده داشته باشد خواهیم پرداخت.

کلید واژگان: تغییرات زیست محیطی، شورای امنیت، امنیت انسانی، صلح بین‌المللی.

*. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس Gatbabayee@iauc.ac.ir
**. دانشجوی دوره دکتری حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
maziar.zabihi@lawyer.com

مسئولیت شورای امنیت در قبال بحران‌های زیست محیطی تهدید کننده صلح و امنیت

دکتر علی بابایی مهر*
مازیار ذبیحی**

دیباچه

همکاری‌های بین‌المللی از مهمترین عناصر برای جلوگیری از گسترش اثرات تغییرات آب و هوایی است (Christopher K. Penny, 2007 p:4) بحران‌های زیست محیطی مسئله ایست که با پیشرفت روز افزون تکنولوژی اثرات خود را برجای گذاشته و امنیت انسانی را در مرتبه اول و سپس توسعه پایدار را مورد تهدید قرار می‌دهد. بحران‌های زیست محیطی از قبیل تغییرات جوی، سوراخ شدن لایه ازن، گرم شدن زمین، گازهای گلخانه‌ای، آلودگی هوا، آلاینده‌های اتمی و مرگ و میر نامعلوم حیوانات، زیست بوم یک منطقه را نابود و به طور کلی امکان حیات را سلب می‌کنند.

تغییر در جو، یعنی تغییری که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در اثر فعالیت‌های انسانی،

*. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس Gatbabayee@iauc.ac.ir

** . دانشجوی دوره دکتری حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
maziar.zabihi@lawyer.com

منجر به تغییر در ترکیبات جو جهانی می‌شود. این تغییرات از تغییرات طبیعی در آب و هوا که در دوره‌های زمانی مشابه مشاهده می‌شود، متفاوت است (سید فضل الله موسوی، معصومه سادات میرمحمدی، ص ۱۶۸).

تغییرات آب هوایی در نتیجه گرم شدن زمین و پیامدهای آن ناشی از فعالیت‌های بشری است نه تنها عوامل زیست محیطی بلکه جوامع بشری را با خطر مواجه ساخته است. اگر وضعیت اقلیم امروز و اعمال بشر برای تشدید این تغییرات همچنان ادامه پیدا کند، کره زمین در آستانه فاجعه تغییرات آب و هوایی و نگرانی و دغدغه مشترک بشریت است و تاکید بر همکاری جهانی در کنترل گازهای گلخانه‌ای با توجه به اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت کشورها و همچنین شناسایی مسئولیت اولیه کشورهای توسعه یافته برای انتشار و مبارزه با گازهای گلخانه‌ای مورد نظر است. آثار تغییرات آب و هوایی بر مقوله‌های زیست محیطی محدود نمانده و ارتباط این تغییرات با صلح و امنیت بین‌المللی در نتیجه امنیت انسانی را مطرح نموده است که نیاز به دخالت نظام حقوق بین‌الملل برای رویارویی با این پدیده را آشکار می‌سازد (مریم افشاری، ۱۳۸۹ قسمت چکیده).

دبیرکل سابق ملل متحد جناب آقای کوفی عنان در دستور کار پیشنهادی برای اجلاس سران در سپتامبر ۲۰۰۵ که توسط هیئت مخصوص وی تهیه گردیده بود، تخریب محیط زیست را از جمله تهدیدهای اجتماعی علیه امنیت دسته جمعی قلمداد کرده و آن را در کنار تهدیدهای امنیتی آورده است که خود نمایان گر اهمیت این موضوع می‌باشد.

فصل اول: بحران‌های زیست محیطی و تبعات آن

گفتار اول: تغییرات جوی به عنوان تهدیدی علیه امنیت بشری

رشد فوق‌العاده جمعیت، اثرات منفی بکارگیری تکنولوژی و استفاده از انرژی فسیلی کره زمین را به شدت مورد تخریب قرار داده و عامل اصلی این صدمات انسان‌ها هستند (امیر ارجمند، اردشیر، ۱۳۷۳، ص ۳۲۷). حق برخورداری از محیط زیست سالم و حق بهره‌مندی از توسعه که تحقق همزمان آن‌ها مستلزم توسعه پایدار است، یکی از جلوه‌های حیثیت و کرامت انسانی تلقی می‌گردد که مکمل حقوق بشر برای نسل حاضر و شرط تحقق آن برای نسل‌های آینده است (افتخار جهرمی، گودرز، شماره ۵۰، ص ۱۵).

انتشار کربن از سوی کشورهای صنعتی، پیامدهای زیست محیطی آثاری سوء بر حیات بشر دارد. در نتیجه افزایش دمای زمین مدت‌هاست که در حال نقض حقوق انسان‌هاست و مادامی که گازهای گلخانه‌ایی آلاینده منتشر شده از سوی کشورهای صنعتی، حقوق اولیه میلیون‌ها انسان را از حیات، امنیت، غذا، سلامت و سرپناه محروم می‌سازند، چنین نقضی ادامه دارد (مری روینسون، ۱۳۸۸ص ۱۲۶).

اگر مسئله تغییرات جوی به عنوان تهدیدی علیه امنیت بشری شناخته شود می‌تواند جامعه بین‌الملل را در مقابله با آن، یکپارچه ساخته و موجب شود که این کل یکپارچه، از طریق ایجاد و پیگیری سازوکارهای همکاری در جهت برخورد با اثرات مخرب این تغییرات اقدام نماید؛ اما در غیر این صورت، تغییرات جوی به تعارضات و درگیری‌ها در عرصه روابط بین‌الملل، عمق بیشتری بخشیده و منجر به شروع مخاصمات بین‌المللی در، و بین دولت‌ها بر سر توزیع منابع، به ویژه آب و زمین، و نیز مدیریت مهاجرت‌ها یا بحث جبران خسارت بین دولت‌هایی که مسئول اصلی تغییرات جوی به شمار می‌روند و کشورهایی که متأثر از اثرات مخرب آن هستند، خواهد شد (سید فضل‌الله موسوی، معصومه سادات میرمحمدی، پیشین، ص ۱۶۹).

تغییرات جوی عموماً دارای آثار و تبعات یکسان نیست بلکه گاهی نظر به مناطق آب و هوایی مختلف در جهان، این تبعات، کاملاً متفاوت و حتی متضاد است. برای نمونه، گرم شدن جهان، همان طور که خطر سیل را افزایش می‌دهد، احتمال خشکسالیهای طولانی مدت را هم تشدید می‌کند. تغییر الگوهای بارش برف و باران، تأثیرات شدید بالقوهای روی محصولات کشاورزی خواهد گذاشت^۱

بر اثر تغییرات جوی، ممکن است زیست بوم ماهی‌ها و ذخایر ماهی‌های اقیانوسی تغییر پیدا کند و این امر، زندگی ماهی‌گیران ساحلی را که حیاتشان به این ذخایر وابسته است، در

1-United Nations Foundation and Sigma XI, "Confronting Climate Change: Avoiding the Unmanageable and Managing the Unavoidable", Scientific Expert Group Report on Climate Change and Sustainable Development, Prepared for the 15th UN Commission on Sustainable Development, UNF, Washington,

معرض خطر قرار خواهد داد (سید فضل الله موسوی، معصومه سادات میرمحمدی، همان، ص ۱۷۰).

ممکن است تغییرات جوی، امنیت بشری را در معرض تهدید قرار داده و بدین ترتیب منجر به نقض حقوق بشر شود. کاهش و افزایش شدید دما، افزایش تأثیرات اجتماعی جوی و عدم کفایت مهاجرت‌های ناشی از تغییرات جوی و انتشار بی‌رویه دی اکسید کربن، موجب می‌شود که کشورهای صنعتی شده و در آینده، اقتصادهای شناوری نظیر چین به عنوان ناقضان جدید حقوق بشر به شمار روند. بنابراین به نظر می‌رسد سازمان ملل در آینده، بیشتر روی مسئله تأثیر تغییرات جوی بر حقوق بشر متمرکز خواهد شد (همان، ص ۱۷۱).

گفتار دوم: بحران‌های زیست محیطی تهدید کننده اقتصاد بشری

اگرچه مرجعی برای مطرح کردن دعاوی علیه دولت‌ها و اشخاص در عرصه بین‌المللی به دلیل تخریب محیط زیست وجود ندارد، ولی این اتفاق در دادگاه‌ها و مراجع داخلی بسیار رخ داده است (Tim Stephens, 2009 p:4). اگر این موضوع به عرصه بین‌المللی سرایت کند می‌تواند ضمانت اجراهای قوی تری داشته باشد و تلاش دولت‌ها را برای جلوگیری از خسارات احتمالی آینده برانگیزد. طوفان کاترینا در نیورلثان آمریکا در سال ۲۰۰۵، هشتاد میلیارد دلار خسارت به بار آورد، و بیش از ۱۸۰۰ نفر انسان جان خود را از دست دادند و در شرایطی که آمریکا درگیر جنگ در عراق و افغانستان بود، ۲۷۰۰۰۰ نفر از نیروهای گارد ملی برای کمک به آسیب دیدگان وارد عمل شدند. ارتش آمریکا ناگهان مجبور شد امکانات و منابع نظامی‌اش را برای پاسخ‌گویی به یک وضعیت اضطراری، به داخل کشور معطوف نماید. اینکه تغییرات آب و هوایی موجب افزایش شمار و شدت طوفان‌هاست، یکی از مسایل مطرح در جوامع علمی است، اما به هر طورت طوفان کاترینا یک تصویر عینی از آنچه که تغییر آب و هوا ممکن است در آینده پدید آورد تداعی نمود (فرشاد رومی، ۱۳۸۷ ص ۷۶۸).

تغییرات جوی به ویژه در مناطق فقیر جهان، پیامدهای منفی برای بهداشت جهانی به دنبال خواهد داشت. این مناطق نه تنها برای بیماری‌های ناشی از این تغییرات مستعد است،

بلکه کمبود غذا و منابع آب نیز احتمال بروز بیماری را افزایش می‌دهد. بنابراین تغییرات جوی به صورت مستقیم و غیرمستقیم روی بهداشت و سلامت جوامع تأثیر خواهد گذاشت (سید فضل الله موسوی، معصومه سادات میرمحمدی، همان، ص ۱۷۱). نقش سازمان‌های غیر دولتی را در اعمال فشار به دولت‌ها در خصوص مراقبت از وضعیت‌های زیست محیطی و جلوگیری از گسترش آلودگی‌های موجود را نمی‌توان نادیده انگاشت زیرا با توجه به توالی مالی که این کشورها در اقتصاد کشورها ایفا می‌کنند، کشورها تا حدی مجبور به همکاری با آن‌ها می‌باشند. نکته جالب توجه اینجاست که در موضوعات مرتبط با حقوق بشر این سازمان‌ها به عنوان رقیب دولت‌ها هستند درحالی که درخصوص مسائلی چون بهداشت، توسعه و محیط زیست، بیشتر به مثابه همکار دولت‌ها تلقی می‌شوند (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۹).

تغییرات جوی، شرایط تولید منطقه‌ای و تأمین زیرساخت‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. کمبود آب منطقه‌ای، مانع از توسعه کشاورزی و دیگر بخش‌های وابسته به آب خواهد شد. خشک سالی و کاهش خشکی‌ها در اثر بالا آمدن سطح آب‌ها، منجر به کاهش شدید زمینهای کشاورزی می‌شود. حوادث شدید دیگری نظیر توفانها و سیل‌ها، مراکز صنعتی، حمل و نقل، تأمین و تولید زیرساخت‌ها را در مناطق ساحلی در معرض خطر قرار می‌دهد و شرکت‌ها را وادار می‌سازد که یا جا به جا شوند یا مراکز تولیدی را ببندند. این اثرات بر روی اقتصاد، بسته به نوع و شدت تغییرات جوی، متفاوت است. تغییرات جوی در حوزه اقتصاد، بر روی نرخ‌های رشد تأثیر گذاشته و احتمالاً منجر به کاهش آن خواهد شد. بی‌شک چنین روندی از دامنه رشد اقتصادی در سطح داخلی و بین‌المللی خواهد کاست (سید فضل الله موسوی، معصومه سادات میرمحمدی، همان، ص ۱۷۳).

از منظر دیگر، افزایش تعداد دولت‌های ضعیف و درحال افول که می‌توانند پایگاه مناسبی برای تروریسم جهانی باشند، به گسترش تروریسم کمک خواهد کرد. مثلاً اندونزی، پرجمعیت‌ترین کشور مسلمان، با گروه‌های افراطی متعدد، جنبش‌های جدایی طلب با دموکراسی شکننده و با بی‌ثباتی سیاسی مواجه است که با جنگ‌های غنی خود در برابر تغییرات آب و هوایی آسیب‌پذیر است و اگر در برابر این تغییرات، واکنش‌های ضعیفی از خود نشان دهد،

ممکن است موجب تشویق گروه‌های افراطی برای به چال شکستیدن دولت و ضربه زدن به منافع دنیای غرب شود. شرایط رو به زوال اقتصادی و اجتماعی، گروه‌های سیاسی رادیکال و ناامنی‌های زیست محیطی می‌تواند منجر به تحقق آشفته‌گی‌های عمیقی شود (فرشاد رومی، پیشین، ص ۷۸۳).

گفتار سوم: نقش بالقوه تغییرات جوی در وقوع مخاصمات داخلی و بین‌المللی

ممکن است پیامدهای متفاوت تغییرات جوی در حوزه‌های مختلف، بستر وقوع درگیری و مخاصمه را در سطح داخلی و بین‌المللی فراهم آورد. این پیامدها تأثیرات متفاوتی روی هر دولت خواهد داشت. شاید برخی دولت‌ها برای مواجهه با نیازهای داخلی، نیازمند مساعدت‌های بهداشت عمومی بوده و برخی دیگر به دلیل تغییرات غیرمنتظره در رژیم تجارت جهانی، شاهد محدودیت‌هایی در صادرات خود باشند. ممکن است برخی دولت‌ها در برابر همسایه قدرتمند خود که خواهان منابع آن‌ها است آسیب‌پذیر شوند. به همین ترتیب و در طول مدتی طولانی، تأثیرات منطق‌های بسیار متفاوت تغییرات جوی می‌تواند روی توزیع جهانی قدرت تأثیر بگذارد و پیامدهای غیرمنتظره‌ای در انتظار امنیت بین‌المللی باشد (سید فضل الله موسوی، معصومه سادات میرمحمدی، پیشین، ۱۷۴).

بند اول: نقش بالقوه تغییرات جوی در وقوع مخاصمات داخلی

یکی از پیامدهای تغییرات جوی که به نظر می‌رسد بستر مخاصمات بین‌المللی را فراهم آورد، مسئله مهاجرت‌های فرامرزی است. این مسئله همواره یک معضل اصلی و در واقع حل نشده در اختلافات بین‌المللی بوده است. تغییرات جوی و تأثیرات اجتماعی حاصل از آن در افزایش جمعیت متمرکز در یک منطقه و در نتیجه، بر افزایش تعداد مهاجرت‌ها تأثیر بسزایی خواهد داشت. از سویی با توجه به فقدان قواعد و مقررات خاصی در خصوص این نوع مهاجرت‌ها که می‌توان آن را مهاجرت‌های زیست محیطی خواند، ظرفیت قابل ملاحظه‌ای برای مخاصمات بین‌المللی بوجود می‌آید.

بند دوم: نقش بالقوه تغییرات جوی در وقوع مخاصمات بین‌المللی

پیامدهای اجتماعی تغییرات جوی به احتمال زیاد منجر به افزایش ناکامی دولت‌ها در تأمین ثبات و امنیت و در نتیجه وقوع مخاصمات متعدد و پراکنده داخلی خواهد شد. این تغییرات آب و هوایی همیشه این گزینه مخاصمات را برای دولت‌ها ایجاد خواهد کرد، زیرا افزایش این تغییرات و به خطر افتادن انسان، اختلافات را نیز افزایش خواهد داد (Niloy *Ranjan Biswas*, 2011 p:7).

گفتار چهارم: مفهوم امنیت انسانی و بحران‌های زیست محیطی

مفهوم امنیت دچار تغییر و تحول شده و امروزه کمتر به آن را با معنای قدیم و کلاسیک آن می‌بینند (Karen Hulme, 2009, p:3). این سنت دیرینه فلسفی و سیاسی انسان مدار تنها اخیراً عنوان امنیت انسانی را پیدا کرده است. معنای امنیت انسانی عبارت است از اول ایمنی و سلامت از تهدیدات مزمن و دیرینه‌ای چون گرسنگی، بیماری و سرکوب. و دوم به معنای در امان بودن از بر هم خوردن ناگهانی الگوهای روزمره زندگی عم از اینکه در خانه، محل کار یا جوامع باشد (پائولین کر، ۱۳۸۷ ص ۶۰۲).

پس امنیت انسانی واجد ۲ بُعد است: ۱- امنیت از ترس ۲- امنیت از نیاز
اما در ۷ زمینه مرتبط با یکدیگر می‌تواند مورد تهدید قرار گیرد: ۱- اقتصاد ۲- غذا ۳- بهداشت ۴- محیط زیست ۵- مسائل شخصی ۶- مسائل سیاسی ۵- مسائل اجتماعی
تهدیدهایی که در مقابل امنیت زیست محیطی وجود دارد عبارت است از: ورود آسیب به اکوسیستم‌های محلی، کمبود آب، فقدان سیستم فاضلاب سالم، کویر زایی، آلودگی شدید هوا، حوادث هسته‌ای یا شیمیایی و بلایای طبیعی (باربارا، فین تیگرشتروم، ۱۳۸۹، ص ۳۸) صدور آلودگی همواره می‌تواند امنیت انسانی را به خطر انداخته و موجب ایجاد رقابت برای حیات شود. اصل ۱۲ منشور اروپایی آب که یکی از اولین اسناد مربوط به حفاظت از محیط زیست است (اصل استراسبورگ، ۶ می ۱۹۶۸) بیان می‌دارد «آب مرز ندارد، آب منبع مشترکی است که همکاری بین‌المللی را ضروری می‌دارد» (امیر ارجمند، اردشیر، همان، ص ۳۳۱) در نتیجه آلودگی آب یک منطقه آلودگی آب تمام مناطق خواهد

بود، و در وسعت بیشتر آلودگی محیط زیست یک منطقه که امنیت انسانی آن منطقه را به خطر می‌اندازد، آلودگی زیست محیطی تمام مناطق خواهد بود و امنیت انسانی را در تمام جهان به خطر می‌اندازد. اما اکثر دولت‌ها، به موضوع اینگونه نمی‌نگرند، آن‌ها امنیت ملی را متعالی‌ترین هدف خود قرار می‌دهند، که این موضوع مضییغ به صرف امنیت شهروندان تنها خود آن‌هاست (سیمبر، رضا، ۱۳۷۹، ص ۷۱۹).

گفتار پنجم: امنیت انسانی دغدغه مشترک

پیامدهای تغییرات آب و هوایی در دو دسته آسیب‌های مستقیم و غیر مستقیم قابل طبقه‌بندی است. آسیب‌های مستقیم، همان خسارت‌های طبیعی ناشی از تغییرات آب و هوایی است که استمرار طبیعی ناشی از تغییرات آب و هوایی است که استمرار طبیعی حیات بشری را در زیست کره مورد تهدید قرار می‌دهند. خشکسالی، طوفان‌های دریایی سهمگین مانند سونامی، بالا آمدن سطح آب دریاها، کاهش منابع آب شیرین، گرم شدن هوا، آتش سوزی جنگل‌ها، بیابان زایی، افزایش بیماری‌های متعلق به مناطق گرم نظیر مالاریا و مهاجرت از جمله آسیب‌های مستقیم هستند. مرگ و میر بیش از ۳ میلیون نفر در اثر بلایای طبیعی در طی بیست سال اخیر و هزینه‌های گزافی که در بعضی از سال‌ها بالغ بر ۴۵۰ میلیارد دلار شده است، همگی در اثر رویارویی بشر با آسیب‌های مستقیم ناشی از بلایای طبیعی است (سلطانیه، احمد، احدی، محمد صادق، گرمایش جهانی، کنوانسیون تغییر آب و هوا و تعهدات بین‌المللی، سازمان حفاظت محیط زیست، دفتر طرح ملی تغییر آب و هوا، ۱۳۸۳، ص ۱۵، به نقل از: عبدالهی، محسن، تغییرات آب و هوایی، ۸۹، ص ۱۹۶).

یکی از نتایج حرکت امنیت دولت به امنیت انسانی این اندیشه است که امنیت انسانی به عنوان دغدغه مشترک مطرح می‌شود. این امر ۲ رهیافت جدا اما مکمل نسبت به امنیت انسانی دارد:

۱. شناسایی امنیت افراد در نقاط مختلف جهان با یکدیگر ارتباط متقابل دارد و عمل دسته جمعی برای تضمین امنیت ضروری است (امنیت انسانی نتیجه امنیت مشترک است)
۲. مسئولیت مشترک برای همه افراد در تمامی نقاط جهان (حقوق بین‌الملل به مسئولیت دولت‌ها تاکید دارد) "امنیت ملی را محدود به افراد داخل دانستن" (مریم افشاری، همان، ص ۶۳-۶۴).

درواقع این رویکرد اول همان نگاهی است که در گفتار قبلی ذکر شده و اینکه بتوانیم امنیت فردی را نتیجه امنیت جمعی بدانیم، در واقع موجب تکامل امنیت انسانی خواهد شد و پیشرفت‌های حقوق بشری به دنبال خواهد داشت.

عناصر انسان محور و دغدغه مشترک در رهیافت امنیت انسانی موضوعاتی را در رابطه با مفاهیم اصلی حقوق بین‌الملل مانند حاکمین دولت، حقوق بشر و گستره تعهد به مشارکت با سایر دولت‌ها در اموری که دغدغه مشترک است مطرح می‌نماید. مفهوم امنیت انسانی حاصل نزدیکی و جمع میان ایده‌ها در مطالعات امنیتی و توسعه بین‌الملل است. هر دو زمینه یاد شده خواستار توجه به اثر سیاست اتخاذی بر افراد انسانی بودند(همان).

فصل دوم: فرایند طرح موضوع نزد شورای امنیت

سه عامل اصلی در پیشبرد فرایند طرح این موضوع نزد ارگان اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در ملل متحد نقش داشته‌اند که در این فصل به آن‌ها خواهیم پرداخت.

گفتار اول: تغییر مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی طی دهه گذشته

در سال ۱۹۹۴ برنامه توسعه ملل متحد ۲۷ در مذاکرات خود به جای بحث امنیت بین‌المللی به امنیت بشری پرداخت و بدین ترتیب به جای تمرکز روی امنیت دولت‌ها، توجه خود را به امنیت و رفاه انسان‌ها معطوف داشت. این تغییر در معنای امنیت موجب شد تا این امکان به دولت‌ها داده شود تا به موضوعات دیگری نیز به چشم عوامل تهدید کننده صلح و امنیت بشری نگاه کنند. امروزه بعضی از بیماری‌های مهلک و علاج ناپذیر هم تهدید کننده امنیت محسوب می‌شوند و دیگر نیازی نیست که حتماً موضوعاتی مانند تروریسم که اثر فوری دارند مطرح باشند.

گفتار دوم: تمرکز ویژه روی پیشگیری از وقوع مخاصمات در چارچوب تدابیر

توسعه ایی و امنیتی

شورای امنیت در سال ۲۰۰۵ ارتباطی میان بحث توسعه پایدار و پیشگیری از وقوع مخاصمات برقرار کرد. این شورا در مقدمه قطعنامه ۱۶۲۵ خود تأکید بر ضرورت اتخاذ

راهکارهایی در جهت پیشگیری از مخاصمات که به طور جامع به دلایل اصلی وقوع مخاصمات مسلحانه و بحران‌های اجتماعی و سیاسی می‌پردازند، از جمله ارتقای توسعه پایدار و... را نیز مقرر می‌دارد.

گفتار سوم: نقش برجسته انگلیس به عنوان ریاست شورای امنیت در این موضوع خاص.

انگلستان در طول سالهای اخیر در سیاستهای جوی چه در بعد داخلی و چه در بعد بین‌المللی نقش رهبری را ایفا نموده است. ایفای چنین نقشی ضمن اینکه در راستای تعهدات این دولت در کاهش انتشار طبق پروتکل کیوتو است، اصرار این دولت بر طرح مسئله تغییرات جوی در نشست‌های عالی رتبه بین‌المللی را نیز توجیه می‌کند.

در سال ۲۰۰۵ مسئله تغییرات جوی در نشست گروه هشت که به میزبانی انگلستان در اسکاتلند برگزار شد، از اولویت برخوردار بود و بنابراین شگفت نیست که این کشور به عنوان یکی از بازیگران اصلی و در راستای افزایش مذاکرات پیرامون گرم شدن زمین، در طرح این مسئله نزد شورای امنیت پیش قدم شود.

فصل سوم : رویکرد شورای امنیت

گفتار اول دیدگاه‌های مختلف و روش‌های مقابله با تغییرات آب و هوایی در شورای امنیت

یک اصل عموماً پذیرفته شده حقوق بین‌الملل (اصل عرفی) این است که دولت‌ها مکلفند اطمینان حاصل کنند که اقدامات واقع در حوزه صلاحیت یا تحت کنترل آن‌ها به محیط زیست سایر دولت‌ها یا سایر مشترکات جهانی صدمه وارد نمی‌کند. (حقوق زیست محیطی بشر، ۱۳۹۱، ص ۱۸۶) اما دولت‌های عضو شورای امنیت ضمن پذیرش این اصل عرفی دیدگاه‌های متفاوتی را در خصوص بحران‌هایی که صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر می‌اندازد مطرح کردند و موضع متفاوتی نشان دادند:

۱. رویکرد انگلیس و بعضی کشورها که هدف آن‌ها آگاهی جهانی به مسئله و مشکلات

تغییرات آب و هوایی است. علمی و کاربردی است و با بُعد امنیتی در شورای امنیت مطرح شده است.

۲. کشورهایی که تمرکز بر فعالیت پیشگیرانه دارند- آلمان و فرانسه- برخورد با تغییرات آب و هوایی به عنوان بخشی از دیپلماسی پیشگیرانه و راهکارهای برای جلوگیری از درگیری‌ها مورد توجه قرار دارند. معتقدند تغییرات آب و هوایی باید در رابطه با دیگر مشکلات امنیتی مانند فقر، کمبود آب بیماری مورد توجه است.

۳. کشورهای کوچک که بیشترین آسیب را می‌بینند. این مسئله قبلاً هم برای آن‌ها امنیتی بوده تمرکزشان به اقدام هرچه سریعتر است و زمان بحث پایان یافته است.

۴. مشکلات تغییرات آب و هوایی جزو مسائل توسعه پایدار است و امنیتی نیست و شورا نباید داخل شود و مسئله ایی که بیشتر مربوط به کشورهای درحال توسعه است و شورا صلاحیت ندارد و مجمع عمومی صالح است- چین- آفریقای جنوبی- برزیل (مریم افشاری، همان، ص ۷۱-۷۲).

کشورهایی مانند انگلستان که این گونه به مسئله به صورت امنیتی نگاه کنند کم هستند. حتی زمانی بود که نخست وزیر سابق انگلستان طی یکی از اظهارات رسمی خود بیان داشته بود که مهمترین نگرانی بریتانیا سوراخ شدن لایه ازن می‌باشد. این رویکرد امنیتی می‌تواند بیشترین کمک را به محیط زیست داشته باشد و ضمانت اجراهای قوی تری برای ناقضان حقوق محیط زیست به عمل آورد. با توجه به عضویت دائم انگلستان در شورای امنیت و نفوذ آن در اتحادیه اروپا می‌توان انگلستان را به عنوان مهمترین وزنه کشورهایی که دارای این دیدگاه هستند بر شمرد.

از طرف دیگر کشورهایی مانند آلمان و فرانسه که رویکرد ملایم تری نسبت به قضیه پیش گرفته‌اند تا حدی می‌توانند در پیشبرد ممناعت از خطرات زیست محیطی موثر واقع شوند. این کشورها عمدتاً در قوانین داخلی خود موضوعات زیست محیطی را مورد توجه شدید قرار می‌دهند (رک. قانون حفاظت از آب کشور فرانسه) و در عرصه بین‌المللی رویکرد ملایم تری نشان می‌دهند. به عقیده این کشورها هنوز آنقدر دیر نشده است که بخواهیم پا را از دیپلماسی پیشگیرانه فراتر بگذاریم .

اما بیشترین آسیب را از بحران‌های زیست محیطی همین کشورهای کوچک و ضعیف‌تر دیده‌اند. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد که حق داشته باشند که دیدی کاملاً امنیتی داشته و خواستار رسیدگی به وضع موجود باشند. در این میان کشورهای آفریقایی گام‌های بیشتری برداشتند و سعی داشتند این خطر را گوشزد کنند (OLI BROWN, 2007-p:1142).

در روی دیگر سکه، عامل اصلی ممانعت توسعه حقوقی این مسئله کشورهای گروه چهارم می‌باشند. به طور ساده و خلاصه آن‌ها استدلال‌ات و ابزارهای حقوقی را جهت جلوگیری از تعیین حقوقی پیدا کردن موضوع به کار می‌برند، چرا که معتقدند کشورهایی امثال ایالات متحده آمریکا با مصرف‌گرایی بسیار زیادی که داشته‌اند اقدام به آلوده کردن محیط زیست و تخریب آن کرده‌اند که خود به توسعه برسد و ثروتمند و صنعتی شوند که نتیجه آن همان بحران‌های زیست محیطی است. اما امروز نوبت به ما و پیشرفت کشورهای درحال توسعه رسیده است. این کشورها با مطرح کردن این قبیل مسائل سعی در جلوگیری از پیشرفت اقتصادی و صنعتی دارند. حتی اگر در واقع بحران‌های زیست محیطی را تهدید کننده صلح و امنیت بین‌المللی بدانند، باز هم ترجیح می‌دهند عملیات صنعتی شدن ملازم با تخریب محیط زیست را به نفع توسعه پایدار متوقف نکنند، تا از عرصه قدرت عقب نمانند. در این خصوص کشور چین معتقد است این مسئله نباید امنیتی شود و از طریق مجمع عمومی فیصله پیدا کند. (Trina Ng, 2010, P: 278) اما تنها کاری که توسط مجمع عمومی انجام گرفت آن بود که در یکی از قطع نامه‌های خود در سال ۲۰۰۹ از همه کشورها خواست که پیامدهای امنیتی تغییرات آب و هوایی را در نظر بگیرند (Silke Weinlich, 2011 pp:2,3). شاید بشود دلیل اینکه این کشورها قصد دارند تا مسئله در دستور کار شورای امنیت قرار نگیرد و سیاسی نشود نیز همین عدم خواستن آن‌ها به تحمل فشار بیشتر باشد و این‌ها همه در حالی بود که ایالات متحده حتی در سال ۲۰۰۱ تصمیم به خارج شدن از پروتکل کیوتو داشت (Bruneel, Jutta, 2004, p:117).

گفتار دوم: اقدامات شورای امنیت

شورای امنیت که مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد، معمولاً در وقتش را به موضوعات حاد و دشوار سیاست بین‌المللی اختصاص می‌دهد، و صرفاً در

گذشته به چند موضوع مانند ایدز پرداخته اما در ۱۷ آوریل ۲۰۰۷، جدیدترین تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی، یعنی تغییرات آب و هوا را به بحث و مذاکره گذاشت (رومی، فرشاد، پیشین، ص ۷۶۸) و رابطه بین انرژی، امنیت و آب و هوا را مورد بررسی قرار داده و ضرورت توجه به رابطه تغییرات آب و هوایی و امنیت انسانی را متذکر شد. در واقع تغییرات آب و هوایی را یکی از جنبه‌های مهم در رابطه با امنیت انسانی دانست و ۲ بُعد مهم امنیت انسانی در تغییرات آب و هوایی مورد توجه قرار گرفت:

۱. همه کشورها به یک اندازه از تغییرات آب و هوایی متاثر نمی‌شوند و همکاری دولت‌ها نیز برای مقابله با مشکل به یک اندازه نمی‌باشد.
۲. اینکه تغییرات آب و هوایی با امنیت بشری پیوند عمیقی دارد و تغییرات آب و هوایی یک مشکل محلی و منطقه‌ای نیست بلکه موضوع جهانی است.

انگلستان از موضوع خود دفاع کرد و آن را امنیتی می‌دانست و هدف آن آگاهی جهانیان نسبت به مشکل تغییرات آب و هوایی بود و می‌خواست توجه شورا را به تهدیدات بالقوه مانند درگیری داخلی، اختلاف فردی، مهاجرت، امنیت و انرژی، اختلاف بر سر منابع کمیاب و... جلب کند. در سال ۲۰۰۰ در گزارش هیئت عالی رتبه در خصوص تهدیدات، چالش‌ها، تغییرات، امنیت بین‌المللی باز تعریف شد و تخریب محیط زیست به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی گردید (مریم افشاری، پیشین، صص ۶۹-۶۸).

همان طور که ذکر شد یکدست نبودن رویکرد شورای امنیت موجب شد که این موضوع دیدگاه امنیتی به خود نگیرد و باعث شود بر خوردهای متفاوتی با آن صورت گیرد.

هدف از طرح موضوع تغییرات آب و هوایی در شورای امنیت، تفسیر موسع از قطع نامه ۱۶۲۵ شورای امنیت در مورد ارتباط توسعه پایدار و جلوگیری از درگیری‌ها است. اعضای موافق معتقد بودند تفسیر موسع این قطع نامه می‌تواند توافق بر سر مسایل زیر باشد:

۱. جلوگیری از درگیری موضوعی بسیار اساسی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است
۲. تشویق توسعه پایدار عامل کلیدی در راهکارهای جلوگیری از درگیری است
۳. بیشترین منفعت برای توسعه پایدار غلبه بر اثرات خوب تغییرات آب و هوایی است و چنانچه تغییرات آب و هوایی بدرستی مورد توجه قرار نگیرند، اثرات مخرب آن بر محیط زیست توسعه پایدار را به خطر می‌اندازد (همان، ص ۷۰).

گفتار سوم: شورای امنیت در تئوری و عمل

در اثر کنوانسیون ساختاری در سال ۱۹۹۲ و پروتکل کیوتو در سال ۱۹۹۷ تغییرات آب و هوایی به مسئله مورد نگرانی جامعه بین‌المللی تبدیل گشته است و با وجود اختلاف نظرهایی چند، همبستگی قابل توجه برای رویارویی با مسئله تغییرات آب و هوایی به وجود آمده است (عبداللهی، محسن، همان، ص ۲۱۱).

طبق ماده ۲۴ منشور ملل متحد، شورای امنیت مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را برعهده دارد. شورا در راستای انجام این وظیفه از دو دسته صلاحیت برخوردار است که به ترتیب در فصول ششم (حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی) فصل هفتم (اقدام در مورد تهدید بر ضد صلح و نقض صلح و عمل تجاوز) پیش‌بینی شده‌اند. شورای امنیت می‌تواند در هر مرحله‌ای از وضعیتی که ادامه آن بتواند صلح و امنیت بین‌المللی را مورد توجه قرار دهد، مداخله نماید و بر طبق ماده ۳۶ روش‌های اجرایی یا شیوه‌های مناسب حل و فصل را توجیه نماید (عاطفه امینی نیا، ۱۳۹۲، ص ۴۲).

ماده ۳۴ در فصل شش منشور تحقیق در مورد وضعیتی را که ممکن است صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید کند بر عهده شورای امنیت گذاشته است که از این مورد می‌توان بحران‌های زیست محیطی را نیز استنباط کرد.

ماده ۴۲ منشور ابزارهای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را معرفی می‌کنند. که می‌تواند به تهدیدات مرتبط با تغییرات آب و هوایی واکنش دهد اما نمی‌تواند تصمیم بگیرد این اقدامات را بر علیه کدام دولت به کار اندازد. در اینجا ارتباط بین ساز و کارهای صلح و امنیت بین‌المللی سازمان ملل و رژیم تغییرات آب و هوایی می‌تواند کارگشا باشد. برخی معتقدند که شورای امنیت می‌تواند براساس ماده ۴۲ در این خصوص وارد شود و انجام وظیفه کند (Sonia gupta, 2010, p:5)، اما باید این موضوع را هم در نظر داشت که اعضای دائم به ضرر خود عملی انجام می‌دهند؟

رژیم تغییرات آب و هوایی می‌توند کشور مسئول الگوی تغییرات منفی آب و هوایی را مشخص سازد. به خصوص اگر آن کشور عضو پروتکل کیوتو باشد. شورا به کشور انتشار دهنده هشدار می‌دهد (مریم افشاری، پیشین، ص ۱۰۰).

شورای امنیت در قطع نامه‌های مختلفی تروریسم را محکوم کرده و این مبنای حقوقی مستحکمی ایجاد کرده و گویی با تکرار آن مبادرت به شناسایی یک قاعده عرفی کرده است (با توجه به روند شکل‌گیری این اعتقاد به الزامی بودن تدریجی پس از پایان جنگ سرد) (همان، ص ۱۰۱) بنابراین می‌تواند به همین گونه تغییرات زیست محیطی را هم محکوم کند و یک قاعده عرفی ایجاد کند. سوالی که مطرح می‌شود این است که شورای امنیت چه مسئولیتی در قبال این پدیده‌ها که امنیت انسانی را بر هم می‌زنند دارد؟ از آن جایی که در مورد فصل ۶ صرفاً دارای اختیار توصیه می‌باشد - به این ترتیب اگر جامعه بخواهد موضوعات مربوط به پیامدهای تغییرات آب و هوایی را پیش از اینکه منجر به درگیری مسلحانه شود بر طرف سازد.

براساس مواد منشور مندرج در فصل ششم، دخالت شورای امنیت فقط محدود به ترغیت کشورها در انجام تعهداتش است و سیستم ملل متحد کارایی لازم را نخواهد داشت. از زمانی که شورا تغییرات آب و هوایی و پیامدهای آن را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی نمود، دولت‌ها موظف هستند از چنین اقدامی خودداری نمایند. با این حال صلاحیت شورا صرفاً تا آستانه ایی است که این حقوق و تعهدات برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و اعاده آن ضروری باشد (مریم افشاری، همان، ص ۹۹).

اما فصل ششم حتی اگر کارایی داشته باشد و بتوانیم برای جمله "شورا اقدامات لازم را لحاظ خواهد کرد" بار حقوقی بیشتری قائل شویم و مسئله به فصل هفتم برسد، دو عضو دائم شورای امنیت یعنی ایالات متحده آمریکا و چین، جزو بزرگترین آلوده‌کنندگان جوی و زیست محیطی هستند. در نتیجه اعمال صلاحیت در چارچوب فصل هفتم منشور، حداقل در قبال بحران‌های زیست محیطی تهدیدی کننده صلح و امنیت، که توسط این دو کشور ایجاد می‌شود منتفی است، هرچند که اعمال صلاحیت بر همین مبنا برای دیگر کشورها نیز حداقل تا زمانی که عملاً صلح و امنیت بین‌المللی برهم نخورده بسیار دور از ذهن به نظر می‌رسد. بنابراین اعمال صلاحیت براساس فصل ششم واقع بینانه‌تر به نظر می‌رسد. به همین دلیل است که بسیاری معتقدند که حقوق بین‌الملل تا کنون نتوانسته است در مقابل تغییرات آب و هوایی واکنش مناسبی داشته باشد. (SHIRLEY V SCOTT, 2008, p: 6)

نتیجه‌گیری

اگر تامین امنیت جوامع را برابر با توسعه یافتگی بدانیم، و بپذیریم که انسان محور توسعه است، پس با به خطر افتادن جان و مال انسان‌ها، در واقع، این امنیت انسانی و در چشم انداز بالاتر امنیت ملی و بین‌المللی است که مورد تهدید واقع می‌شود (رومی، فرشاد، پیشین، ۷۸۳). بنابراین تغییرات زیست محیطی توان از بین بردن امنیت انسانی را دارند و برای جلوگیری از این موضوع طبیعتاً کشورها باید با هم همکاری کنند تا بتوان از خلال همکاری آن‌ها برآیند مشترکی برای آینده کره زمین و حیات بشری تصور کرد. در صورتی که برخی از کشورها با دیدی بسته فقط به امروز خود فکر کنند و منافع بلند مدت خود و دیگران را در نظر نگیرند، نمی‌توان آینده روشنی را برای امنیت بین‌المللی پیش‌بینی کرد. به دیگر سخن رویکرد رئالیسم سیاسی به موضوع محیط زیست یقیناً نقطه نابودی زمین را نزدیک خواهد کرد. به دیگر سخن پاشنه آشیل یا همان نقطه ضعف این دیدگاه زورمداری و منفعت‌انگاری در حقوق محیط زیست بشر نهفته است، و این تنها موضوعی است که بشر نمی‌تواند از آن عبور کند، درحالی که در مورد رعایت آن وقعی نهاده باشد. پس در صورتی که ما دیدگاهی حقوق بشری به مسئله تغییرات زیست محیطی نداشته باشیم نمی‌توانیم در این همکاری‌ها به اجماع برسیم. در این میان دیدگاه کشورهای سرمایه دار و در حال توسعه قوی می‌تواند ارزش بیشتری داشته باشد و در بسیاری موارد تعیین‌کننده‌تر باشد. اگرچه آن‌ها هنوز خود را در مهلکه خطرات زیست محیطی ندیده‌اند، اما به نظر نمی‌رسد آن روز بسیار دور باشد.

منابع فارسی

۱. افتخار جهرمی، گودرز، حقوق بشر، محیط زیست و توسعه پایدار، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۵۰
۲. امیر ارجمند، اردشیر، حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین‌المللی، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۳، شماره ۱۵
۳. امینی نیا، عاطفه، اقدامات اجباری شورای امنیت و چارچوب‌های حقوقی آن، نشر فرهنگ شناسی، ۱۳۹۲
۴. باربارا، فین تیگرشتروم، امنیت انسانی و حقوق بین‌الملل، ترجمه اردشیر امیر ارجمند و حمید قنبری، مجله، ۱۳۸۹، ص ۳۸
۵. پائولین کر، امنیت انسانی، ترجمه سید جلال دهقانی فیروز آبادی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۱، شماره ۳، ۱۳۸۷
۶. حقوق زیست محیطی بشر، گروه صلح کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو دانشگاه شهید بهشتی، دادگستر، ۱۳۹۱
۷. رمضانی قوام آبادی، محمد حسین، پیشگیری و سرکوب جرایم زیست محیطی در پرتو اقدامات سازمان‌های غیر دولتی در نظام حقوقی ایران، مجله حقوقی دادگستر، سال ۷۵، شماره ۷۵، پاییز ۱۳۹۰
۸. سیمبر، رضا، بازنگری مفهوم امنیت در عرصه روابط بین‌الملل، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۴، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹
۹. عبدالهی، محسن، تغییرات آب و هوایی: تاملی بر راهبردها و تدابیر سازمان ملل متحد، فصل نامه حقوق مجله حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۰، شماره ۱، بهار ۸۹
۱۰. فرشاد رومی، امنیت نظام بین‌الملل در پرتو تغییرات آب و هوایی، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۲، شماره ۳، ۱۳۸۷
۱۱. مری روبینسون، محیط زیست، تغییرات جوی و نقض حقوق بشر، سیاحت غرب، شماره ۷۰، ۱۳۸۸
۱۲. مریم افشاری، رساله دکتری حقوق؛ تغییرات زیست محیطی تهدید کننده صلح و امنیت، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹

۱۳. موسوی، سید فضل الله، سادات میرمحمدی، معصومه، تغییرات جوی تهدیدی علیه صلح و امنیت بین الملل، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۴۹، ۱۳۹۲

انگلیسی

1. Brune , Jutta, the United nation and International environmental law: living with an elephant, EJIL,2004
2. Christopher K. Penny, CLIMATE CHANGE AND THE SECURITY COUNCIL:A PRELIMINARY FRAMEWORK FOR IMPLEMENTING REMEDIAL MEASURES THROUGH CHAPTER VII OF THE UN CHARTER, Centre for International Sustainable Development Law (CISDL),2007
3. Karen Hulme, Environmental Security: Implications for International Law, YEARBOOK OF INTERNATIONAL 4 ENVIRONMENTAL LAW,2009
4. Niloy Ranjan Biswas, IS THE ENVIRONMENT A SECURITY THREAT? Environmental Security beyond Securitization , INTERNATIONAL AFFAIRS REVIEW,2011
5. Security Council 5663rd meeting Tuesday, 17 April 2007, 3 p.m. New York
6. Silke Weinlich, Climate change before the UN Security Council: head in the sand? German Development Institute.2011
7. OLI BROWN, ANNE HAMMILL AND ROBERT MCLEMAN, Climate change as the 'new' security threat: implications for Africa, The Royal Institute of International Affairs,2007
8. SHIRLEY V SCOTT, CLIMATE CHANGE AND PEAK OIL AS THREATS TO
9. INTERNATIONAL PEACE AND SECURITY: IS IT TIME FOR THE SECURITY COUNCIL TO LEGISLATE? Melbourne Journal of International Law, Vol 9
10. Sonia gupta, Environmental Law and Policy: Climate Change as a Threat to International Peace and Security, PERSPECTIVES ON GLOBAL ISSUES,2009
11. Tim Stephens, International Courts and Climate Change: 'Progression', 'Regression' and 'Administration', Sydney Law School.2009 available at: <http://ssrn.com/abstract=1487866>
12. Trina Ng, Safeguarding Peace and Security in our Warming World: A Role for the Security Council, Journal of Conflict & Security Law,2010